



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

دکتر آرش حیدری در یکی از سخنرانی‌های خود از بحران اندیشمند سلبریتی سخن گفته که نسبت به تقلیل و فروکاسته شدن کنش روشنفکری به منش سلبریتی‌وار هشدار داده است. آنچه آرش حیدری از ایستادن اندیشمند در زمین حقیقت و گریختن از زمین شهرت می‌گوید، نه فقط باور که کنش اوست که همواره از تبدیل شدن به جامعه‌شناس - سلبریتی گریخته و از اینکه حضوری پررنگ در فضای مجازی داشته باشد، گریزان است. همین است که صفحای در اینستاگرام ندارد و حتی با قطعه شدن سخنرانی‌ها و گزین گویه کردن سخن اندیشمندان و روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مخالف است که کلیت سخن را خرد می‌کند و امکان خردورزی عمیق و کل نگر را می‌کاهد. حیدری همواره در پی آن است که خوبی، حقیقت و زیبایی را به گونه‌ای فهم کند که در خدمت زندگی باشد، نه علیه آن. از این روست که همواره با روشنفکر ماکولیایی که در پس تفکر انتقادی به انقیاد زندگی دست می‌زند و به قول خودش زندگی را تنف و لعنت می‌کند، بر سر ستیز است. نه فقط با روشنفکر سلبریتی که حتی با نقد سلبریتی‌ها هم موافق نیست که بر این باور است، آنچه باید نقد شود سازوکار سلبریتی‌ساز است، نه رفتار سلبریتی‌ها. به همین دلیل از اینکه اندیشمند در درون مکانیسم و صورت‌بندی‌های سلبریتی‌ساز دست به کنش روشنفکرانه برند مخالف است. با او همدلیم که بازی نقد و اندیشه‌ورزی در زمین حقیقت رخ می‌دهد، نه زمین شهرت، اما می‌توان این وضعیت را از سویه و منظر دیگری هم تحلیل کرد که در عین تاکید سخن دکتر حیدری، تکمیل آن هم باشد، به این معنا که حضور و کنشگری اندیشمندان در شبکه‌های اجتماعی لزوماً به معنای بازی کردن در زمین شهرت نیست، تلاش برای تغییر قواعد بازی به نفع حقیقت هم هست. حضوری خودآگاهانه که فضای مجازی و شبکه اجتماعی را به عنوان زمین شهرت که به مثابه زمینه‌سازی برای فهم و تبیین حقیقت می‌بیند که می‌کوشد از آن برای طرح دغدغه‌های خود بهره‌برد. سخن بر سر رسانه‌ای شدن اندیشمند نیست، بر سر رسانه‌ای کردن اندیشه است تا با بسط اندیشه و برانگیختن میل به اندیشه‌ورزی در فضای مجازی، دیگران را به تفکر و تأمل درباره زیست - جهان خود دعوت کند. در واقع ایده مرکزی نقد درست است، اینکه اندیشمند یا کنشگری روشنفکرانه در استایل سلبریتی‌گری صورت‌بندی شود. اما مسئله این است که هر کنشگر رسانه‌ای اهل فکر و فرهنگ را نمی‌توان به این شمایل فروکاست. گاهی حضور کنشگرانه در شبکه‌های اجتماعی، نوعی شورش علیه سازوکار شهرت طلبانه آن است تا اشکال حقیقت را از شیوه‌های شهرت طلبی نجات داده و به آگاهی‌رهای بخش کمک کند. دکتر حیدری در این سخنرانی اشاره می‌کند که اندیشمند باید در زمین حقیقت، معنا و کنش ارتباطی بایستد. اشاره او به کنش ارتباطی که ناظر به سخن‌ها بر ماسک برای کنشگری در حوزه عمومی است. بر این مبنا می‌توان حضور اندیشمندان در زمین رسانه را یکی از مصادیق همین کنش ارتباطی دانست. اساساً روشنفکری در درون مدیوم‌های غالب زمانه رخ می‌دهد چنان‌که مثلاً مولانا زبان شعر را به دلیل هژمونی آن به مثابه یک گفت‌وگو گفتمان رسانه‌ای در زمانه خود برای انتقال معنا، حقیقت و خوبی برمی‌گزیند. مسئله‌ها بر سر حضور در این زمین بازی نیست، بر سر زمینه‌سازی برای حضور کنشگرانه و مداخله‌گر برای تبیین و تبلیغ حقیقت در فضا و افکار عمومی است. در واقع باید گفت اگر منش و کنش روشنفکری و کنشگری در درون منطق، اسلوب و استایل سلبریتی‌بودگی و بازی لایک و فالوئر گرفتن استحال شود، معرفت در زمین شهرت، زمین گیر می‌شود اما اگر مقصد و مقصود، روشنفکری و نقد و آگاهی‌بخشی باشد، می‌تواند قواعد بازی را در زمین شهرت به سود حقیقت تغییر دهد تا سودای حقیقت طلبی بر سوداگری شهرت طلبی غالب شود. این شکل حضور، محصور و مرعوب شدن در زمین شهرت نیست، شکرزدن آن برای کاشتن بذر آگاهی و معرفت است تا شاید به جای عشوهای کیم کارداشیان‌ها، عقاید و شوهر تفکر اندیشمندان، آگاهی را به جای لوندگی و لوندگی بنشانند تا نه عشوهای دیده شدن که شیوه‌های درست دیدن اعتبار بیابد. گرچه به نظر می‌رسد مقصود دکتر حیدری از اندیشمند - سلبریتی ناظر به هر شکلی از کنشگری رسانه‌ای نیست، بلکه بیشتر به سازوکارهای شهرت در فرهنگ سلبریتی‌بودگی نظر دارد که یک برساخته رسانه‌ای است؛ برساخته‌ای که خود را ذیل سازوکارهای مناسبات سلبریتی تعریف می‌کند که دغدغه دیده شدن دارد، نه طرح و تبیین دیدگاه‌های خود. آنچه باید در صورت‌بندی فهم نسبت روشنفکری و سلبریتی لحاظ شود، تفکیک بین رسانه‌ای شدن و سلبریتی شدن است که اولی لزوماً به معنای دومی نیست.

عکس: Getty Images

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



عضوی از خانواده

چگونه ایلان ماسک با استفاده از توئیتر به پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا کمک کرد؟



امیرا حسینی

خبرنگار گروه فناوری

در ماه‌ها و سال‌های آینده احتمالاً از مرد جنجالی و پرحاشیه دنیای فناوری، ایلان ماسک خبرهای بیشتری خواهیم شنید؛ نه فقط به خاطر اینکه مالک تسلا، اسپیس ایکس، توئیتر و یکی از ثروتمندترین مردان جهان است، بلکه به دلیل حمایت علنی و بی‌چون‌وچرایش از دونالد ترامپ که در ابتدا به شرکت در یک شرط‌بندی می‌مانست و حالا از این بازی، برنده بیرون آمده است. ترامپ احتمالاً حامیان سرمایه‌دار بسیاری داشته، اما هیچ کدام به شکلی همه‌جانبه خود را وقف کمپین انتخاباتی او نکردند؛ کاری که ماسک انجام داد. همین هم باعث شد بعد از انتشار خبر پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بازار به سهام تسلا روی خوش نشان دهد و با افزایش قیمت سهام این شرکت، ۲۶ میلیارد دلار به ارزش تسلا و به تبع آن به دارایی ایلان ماسک افزوده شود. اما نکته‌نظری است اگر گمان کنیم ماسک با هدف افزایش سرمایه‌ای در این بازی قدم گذاشته و این تنها آورده او از این نبرد انتخاباتی بوده است. گاردین در گزارشی به استفاده ماسک از همه ابزارهای در دسترس برای پیروزی ترامپ پرداخته که حالا او را به فردی نزدیک به رئیس‌جمهور ایالات متحده تبدیل کرده؛ به گونه‌ای که گاردین او را دومین فرد قدرتمند در سیاست ایالات متحده می‌داند.

▼ ماسک یک فوق نابغه است

جای تعجب نداشت که ماسک نیز یکی از مهمانان ویژه ترامپ در شام پس از انتخابات بود. خود او عکسی را از گفت‌وگوی گرمش با ترامپ سر میز شام منتشر کرده و نوشته بود: «آینده چنین خواهد شد.» به گزارش گاردین، جایگاه ماسک بر سر میز نتیجه ماه‌ها تلاش سیاسی او و حمایت مالی حداقل ۱۳۰ میلیون دلاری اش از ترامپ بود. ماسک چه در فضای مجازی و چه به شکل حضوری برای ترامپ کمپین تبلیغاتی به راه انداخته بود. او تنها میلیاردری نبود که از ترامپ حمایت می‌کرد، اما برخلاف برخی از همتایانش که ترجیح می‌دادند در سایه‌ها و جلسات پشت درهای بسته فعالیت کنند، او به آشکارترین حامی ترامپ تبدیل شد؛ ریسکی که باعث شد او به شخصیتی استثنایی بدل شود؛ مردی ثروتمند که حالا قدرت سیاسی قابل‌انگیزی نیز دارد. نقش دقیق ماسک در دولت آینده هنوز مشخص نیست. اما به نظر نمی‌رسد به یک مسئولیت دولتی نیازی باشد، زیرا جایگاه ماسک در حال حاضر فراتر از چنین پست‌هایی است و ترامپ در سخنرانی خود پس از پیروزی در انتخابات، از او به عنوان یک «فوق نابغه» تمجید کرده است. ماسک روز چهارشنبه در تماس ترامپ با ولوادمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین حضور داشت که نشان می‌دهد گستره نفوذ و محبوبیت او در دفتر ریاست جمهوری، حتی بیش از چیزی است که به نظر می‌رسد. نوه ترامپ نیز عکسی خانوادگی از «گل تیم» منتشر کرد که در مهمانی شام شب بعد از انتخابات گرفته شده بود. ماسک در میان سه نسل از اعضای خانواده خندان، درست در مقابل اریک ترامپ و جرد کوشنر، فرزند و داماد رئیس‌جمهور آمریکا ایستاده بود. گویی ماسک نیز عضوی از همین خانواده است. این مرد ثروتمند ۵۲ ساله در چند ماه اخیر به سرعت به یک بازیگر کلیدی در مبارزات انتخاباتی ترامپ تبدیل شده بود. او که در ماه مارس گفته بود از هیچ نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری حمایت نخواهد کرد و در اواخر ماه می هنوز در حال بررسی گزینه‌های خود بود، در ماه ژوئیه و در همان روزی که ترامپ در یک سوءمقصد نافرجام مجروح شد، به دنیا گفت که نظرش تغییر کرده است. ماسک بلافاصله وارد صحنه شد و از سایرین در صنعت فناوری نیز خواست تا از حزب جمهوری خواه حمایت کنند.

▼ آزادی خوب است، اما برای چه کسی؟

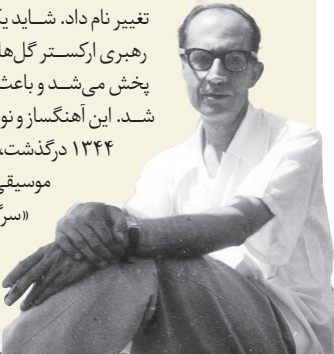
شاید دلیل موفقیت ماسک در رسیدن به چنین جایگاهی را نه بتوان در بالا و پایین پریدن در کمپین‌های انتخاباتی جست‌وجو کرد، نه در خاصه خرجی‌ها و

حمایت مالی گسترده اش. گزارش گاردین، سهم ویژه‌ای برای استفاده از ایکس یا همان توئیتر سابق در این پیروزی قائل است. براساس این گزارش، در حالی که برخی از کمپین‌های تبلیغاتی انتخاباتی ماسک با جالش‌های قانونی مواجه شده بود، براساس قوانین پلتفرم خودش، او حق داشت ترامپ را هر طور که می‌خواهد تبلیغ کند. از نظر مالی، خرید توئیتر توسط ماسک یک شکست آشکار بوده و از ارزش این پلتفرم به طرز معناداری کاسته شده است. تبلیغ کنندگان جریان اصلی به طور انبوه از این پلتفرم رفته‌اند، زیرا توئیتر بعد از حضور ماسک، به عنوان پناهگاهی برای اینفلوئنسرهای راست افراطی، سفیدپوستان برتری طلب و نظریه‌پردازان توطئه در نظر گرفته می‌شود. الگوریتم آن به سمت تبلیغ ویدئوهای ویروس‌پز و رفته و از یک شبکه اجتماعی که از اخبار مبتنی بر واقعیت و منابع اطلاعاتی قابل اعتماد حمایت می‌کرد، فاصله معناداری گرفته است. براساس تحلیل واشنگتن‌پست، ماسک و شرکایش که در سرمایه‌گذاری برای خرید توئیتر او همراهی کردند، میلیاردها دلار از ارزش دارایی خود را از دست داده‌اند و ارزش این شرکت به کمتر از نصف رسیده است. با این حال، چیزی که ماسک از خرید خود به دست آورد، کنترل بر یکی از تأثیرگذارترین پلتفرم‌های ارتباطی جهان بود و توانست از این طریق، بلندترین صدای خود را در آنجا بسازد. ماسک الگوریتم این پلتفرم را بهینه‌سازی کرده تا مطمئن شود بیست‌هائیش بدون توجه به اینکه آیا در بین بیش از ۲۰۰ میلیون دنبال‌کننده او هستند یا نه، به دست همه کاربران می‌رسد. در ماه اوت، ماسک میزبان یک مصاحبه صوتی دوساعته با ترامپ در ایکس بود که در آن درباره سیاست‌های ضد مهاجرتی صحبت کردند و ماسک، انتخاب ترامپ را «مسیری به سوی فاجعه» خواند. در حالی که این مصاحبه اطلاعات جدید اندکی را ارائه می‌داد، اما همزمان نشان می‌داد که چقدر همه چیز در این پلتفرم از زمان تعلیق دائمی حساب کاربری ترامپ در سال ۲۰۲۱ تغییر کرده است.

حمایت ماسک از انتخاب ترامپ، همچنین حملات او به دموکرات‌ها، رسانه‌ها و کاملاً هریس، به بخش غالب تجربه کاربری این پلتفرم تبدیل شده بود. براساس تحلیل گاردین، او در روز پس از مصاحبه با ترامپ، بیش از ۱۴۵ بار در یک دوره ۲۴ ساعته توئیت کرد. خوراک توئیتهای او مجموعه‌ای تقریباً ثابت از حرف‌ها و تصاویر توهین آمیز و ارائه اطلاعات نادرست، همراه با روتینیت پست‌های اینفلوئنسرهای راست افراطی بود که تئوری‌های توطئه را در برهه مهاجران غیرقانونی که مرتکب تقلب در رأی‌گیری می‌شوند، تبلیغ می‌کردند. نفوذ ماسک در مبارزات انتخاباتی ترامپ را می‌توان در بازتابی تصویری گسترده از نامزد حزب رقیب مشاهده کرد. ماسک از اولین محصول شرکت جدید خود در زمینه هوش مصنوعی به نام Grok بهره‌برد که ملاحظاتی قبلی خود مانند ChatGPT را نداشته و می‌تواند برای ایجاد تصاویری از شخصیت‌های عمومی و رهبران سیاسی استفاده شود. تقریباً بلافاصله بعد از اینکه این قابلیت معرفی شد، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی ملو از تصاویر ترامپ، هریس و دیگر افراد مشهور شد که توسط هوش مصنوعی Grok ساخته شده بود. اغلب این تصاویر محتوای زن‌ستیزانه داشتند و برای تخریب جبهه دموکرات‌ها استفاده می‌شدند. ترامپ تصاویر هوش مصنوعی از اینفلوئنسرهای راست‌گرا را بازنشر کرد که به‌دروغ نشان می‌داد تیلور سوئیفت، خواننده آمریکایی از کاندیداتوری او حمایت کرده یا ماسک تصویری را منتشر کرد که کاملاً هریس را یک کمونیست نشان می‌داد. به جز پست‌های خود ماسک در ایکس، او در این پلتفرم انجمنی را ایجاد کرد که به بررسی «صداقت انتخابات» اختصاص داشت. این انجمن به کاربران اجازه می‌داد تا هر مدرکی را که در مورد تقلب در رأی‌دهی می‌یابند، به اشتراک بگذارند، بدون اینکه روی صحت و سقم آنها تحقیقی صورت گیرد. همین کار باعث شد اخبار و اطلاعات نادرست منتشر شود. مانند ویدئویی جعلی که نشان می‌داد مردم‌هایتی به طور غیرقانونی به هریس رأی می‌دهند. هر چند ماسک خود را با راه‌مداغ «آزادی مطلق بیان» توصیف کرده، اما گویی این آزادی شامل مخالفان اهداف او نمی‌شود. او روی هر اطلاعاتی ممکن بود به کمپین ترامپ آسیب برساند، نظارت داشت و حتی در یک مورد حساب کاربری یک خبرنگار مستقل را در این پلتفرم مسدود کرد. بر این اساس به نظر می‌رسد برخلاف چیزی که اعداد می‌گویند، توئیتر برای ایلان ماسک یک سرمایه‌گذاری زیان‌ده و غلط نبوده و به عنوان یک تریبون ۲۴ ساعته با میلیون‌ها مخاطب و بدون محدودیت، کمک شایان توجهی کرده تا هم بر ثروت او بیفزاید و هم او را به معولن در سایه ترامپ تبدیل کند.

خالق سرود ای ایران

روح‌الله خالقی، یکی از آن چهره‌هایی است که نامش به سرود مشهور «ای ایران» گره خورده است و برای احیای موسیقی ایرانی تلاش بسیاری کرد. با این که هم پدر و هم مادرش نوازندگی می‌دانستند اما پدرش با انتخاب این رشته برای حرفه‌ی پسرش مخالف بود، اما علاقه و گرایش خالقی به موسیقی باعث شد که در نوجوانی با دیدن برپایی مدرسه موسیقی وزیری در آنجا اسم بنویسد، تحصیل موسیقی را شروع کند و این آغازگر راه درازش در موسیقی بود. او در سال ۱۳۲۲ همراه چند موسیقیدان دیگر ارکستر ملی را تشکیل داد و بعد از آن نیز انجمن دوستداران موسیقی ملی را راه انداخت که بعد به هنرستان موسیقی ملی تغییر نام داد. شاید یکی از مهم‌ترین کارهای او رهبری ارکستر گل‌ها باشد که سال‌ها از رادیو ملی پخش می‌شد و باعث تحولی در موسیقی ایرانی شد. این آهنگساز و نوازنده ویولن که در ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۴۴ درگذشت، چند کتاب مهم هم در زمینه موسیقی ایرانی و غربی نوشته است. «سرگذشت موسیقی ایران» و «نظری به موسیقی» از جمله آثار او هستند.



روایت‌های کتابخوانی

این فقط جهان نیست که در جان کتاب می‌نشیند، گاهی جهان کتاب هم خود به قصه‌ای برای روایت تبدیل می‌شود. آنها که کتاب‌خوان و کتاب‌باز هستند، معنای این سخن را خوب می‌دانند. «کتاب‌یاد‌های یک نویسنده»، دومین کتاب از احمد راسخی‌لنگرودی پس از «یادداشت‌های یک کتاب‌باز» است که مشتمل است بر ۴۰ یادداشت کوتاه و بلند. یادداشت‌ها همه در اطراف موضوع کتاب و کتابخوانی و آنچه به‌نوعی به آن مربوط می‌شود، نگاشته شده و هر یک به مناسبتی و به مقتضای شرایطی. هیچ کدام آنها



کتاب‌یاد‌های یک نویسنده

نویسنده:

احمد

راسخی‌لنگرودی

انتشارات: هم‌رخ

تراوش قوه خیال نبوده و نیست، سر در واقعیت دارد. نویسنده هر جا سوژه‌ای در اطراف کتاب و کتابخوانی یافته که در خور نوشتن می‌آید، قلمی کرده و هرگاه گفته یا نوشته‌ای که در این رابطه افغان‌ها در ساعت سه بعدازظهر به اصفهان رسیدند و اشرف با این روایتگری نشان دادن وضعیت تلخ و گرانبار مهجوریت کتاب است در جامعه امروز ما.

نبرد مورچه خورت



نبرد مورچه خورت، نبردی میان سپاهیان ایران به رهبری نادرشاه افشار و شاه طهماسب دوم و سپاه متحد اشرف افغان و عثمانی بود که در «مورچه خورت» در حوالی اصفهان درگرفت و به پیروزی

ایرانیان انجامید. این نبرد در ۲۱ آبان‌ماه ۱۱۰۸ خورشیدی رخ داد. قبل از این نبرد اشرف افغان از سلطان احمد سوم عثمانی درخواست کمک کرده بود. نتیجه این نبرد شکست سنگین افغان‌ها بود. قسمت عمده افغان‌ها در ساعت سه بعدازظهر به اصفهان رسیدند و اشرف با عده کمی از سربازان در شب آن روز وارد پایتخت شد. افغان‌ها ادعا می‌کردند که بر دشمن پیروز شده‌اند، ولی در اثر شیون زنان و کودکان آن‌ها در قلعه، خلاف قضیه ثابت شد. همچنین در سایر قسمت‌های شهر آشوب عظیمی برپا بود، زیرا ساکنان پایتخت می‌دانستند که اگر افغان‌ها شکست بخورند، آن‌ها را قتل عام خواهند کرد. اشرف به اندازه‌ای متوحش شده بود که اگر هم این قصد را داشت، نتوانست آن را اجرا کند. با این همه او با آلودن دست خود به خون شاه‌سلطان حسین انتقام خویش را گرفت.